

بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و سیاسی با امنیت ملی در بین شهروندان همدانی

نسرین مرادی شهباز^۱، عاطفه مرشدلو^۲، زهرا قاسمی طاهر^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۵

چکیده

موضوع پژوهش حاضر بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان همدانی با امنیت ملی کشور است. چارچوب نظری تحقیق ترکیبی از نظریه‌های جامعه‌شناختی لیپست، دال، وینر، دورکیم و نظریه انتخاب عقلانی می باشد که با توجه به موضوع و اهداف تحقیق تدوین گردیده است. فرضیات این پژوهش بر اساس مدل تئوریک فوق اقتباس شده و فرضیات به دنبال کشف روابط میان مشارکت اجتماعی و سیاسی با امنیت ملی هستند. جهت بررسی فرضیات مطرح شده ۳۵۰ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر همدان به صورت خوشه‌ای و تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش تحقیق پیمایشی می باشد که به منظور آزمون الگوی تحلیلی روی نمونه تحقیق پرسشنامه‌ای توسط محقق طراحی شد. اعتبار پرسشنامه از نوع اعتبار صوری بوده و در آزمون مقدماتی تحقیق، ضریب آلفا جهت پایایی مقیاس امنیت ملی برابر با ۰/۸۷ بوده است. پرسشنامه طراحی شده توسط پرسشگران روی افراد مورد مطالعه اجراء و داده‌های مورد نظر گردآوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آماری همبستگی پیرسون، انجام گرفت. نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد که متغیرهای سن و تحصیلات پاسخگویان با متغیر مشارکت اجتماعی و سیاسی رابطه معنی‌داری ندارند. اما روابط مشارکت اجتماعی و سیاسی با امنیت ملی مثبت و معناداری باشد، در نهایت الگوی نهایی نشان داد که بیش‌تر از همه متغیرهای مستقل، متغیر «مشارکت سیاسی» در ضریب امنیت ملی مؤثر می باشد، بدین معنی که هر چه میزان مشارکت سیاسی افراد بیش‌تر باشد، ضریب امنیت ملی کشور نیز افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، امنیت ملی، شهر همدان.

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان همدان (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد علوم تربیتی و پژوهشگر دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان همدان

۳- کارشناس ارشد علوم تربیتی و پژوهشگر دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان همدان

مقدمه

مشارکت در جوامع امروزی یک ضرورت عقلانی و اخلاقی تلقی می‌شود. مشارکت سیاسی و اجتماعی هم از انواع مشارکت و هم یکی از عناصر اصلی امنیت ملی می‌باشد. امروزه امنیت ملی کشورها یعنی واقع شدن در وضعیتی که بتوان از حساسیت و آسیب‌پذیری ارکان نظام در مواجهه با تهدیدات داخلی و خارجی فروکاست، لذا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در به‌کارگیری مفهوم امنیت ملی که در نوشتار حاضر به‌عنوان متغیر وابسته مطرح گردیده، یک نکته حائز اهمیت است، به این صورت که همان‌طور که گفته شد، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقای ضریب امنیت ملی «مشارکت» در صحنه‌های گوناگون ملی است. مشارکت در واقع، تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است، چرا که برآیند مطلوب هر نظام سیاسی که چگونگی فضای امنیتی جامعه نیز متأثر از مشارکت افراد آن جامعه در هر بعد از مشارکت خصوصاً سیاسی و اجتماعی، است. در واقع مشارکت مردمی چه اجتماعی و چه سیاسی نشان دهنده میزان رضایتی است که آحاد مردم از عملکرد آن نظام در تعامل با محیط پیرامونی دارند.

بیان مسأله

هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیش‌تری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بخصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی، جلب نماید، در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت رفیع‌تری برخوردار می‌گردد، در غیر این‌صورت با ایجاد گسست در مبانی اجتماعی و سیاسی و باورهای عمومی که نتیجه، بلامعارض عدم پیوند و تعامل بین مردم و دولت است، امنیت ملی نیز در مقابل انواع آسیب‌ها

شککننده بوده و در واقع حساسیت‌هایی که می‌باید به‌طور متعارف و طبیعی حل و فصل گردد به تهدیداتی مبدل می‌شوند که کل نظام را با مخاطره جدی روبه‌رو می‌سازند. لذا در این نوشتار با تأکید بر ساز و کارهای نرم افزارانه امنیت سعی شده است نقش تأثیرگذار مشارکت سیاسی و اجتماعی با پرسش‌های زیر در مورد جامعه همدان مورد واکاوی قرار گیرد:

(۱) میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی در امنیت ملی چقدر است؟

(۲) آیا رابطه‌ای بین این متغیرها وجود دارد؟

(۳) آیا رابطه‌ای بین متغیرهای سن و تحصیلات افراد با مشارکت اجتماعی و سیاسی وجود دارد؟

در واقع فرض بر این است که هر قدر مشارکت سیاسی و اجتماعی در جامعه کاهش یابد، ضریب امنیت ملی نیز کاهش می‌یابد و به‌عکس، هر قدر مشارکت سیاسی و اجتماعی در جامعه افزایش یابد، ضریب امنیت ملی نیز افزایش خواهد یافت.

روش تحقیق

در این پژوهش، جهت بررسی فرضیات مطرح شده ۳۵۰ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر همدان به‌صورت خوشه‌ای و تصادفی انتخاب شدند و با استفاده از روش تحقیق پیمایشی به منظور آزمون الگوی تحلیلی روی نمونه مورد نظر پرسشنامه‌ای طراحی شد. سپس میزان روایی و اعتبار این وسیله اندازه‌گیری برآورد گردید. اعتبار پرسشنامه از نوع اعتبار صوری است و همچنین در آزمون مقدماتی تحقیق، ضریب آلفا جهت پایایی مقیاس امنیت ملی برابر با ۰/۸۷ بوده است.

پیشینه تحقیق

هوفونگ در تحقیقی تحت عنوان دموکراسی، آزادی‌های مدنی و امنیت ملی: اسرائیل در دیدگاه مقایسه‌ای در دانشگاه کارولینا پرداخته است. وی به دنبال پاسخگویی به این سوالات است که، در مورد مسأله امنیت در کشورها تصمیم-گیرنده اصلی چه کسی است؟ چه اهدافی را معمولاً در نظر می‌گیرند؟ روش‌ها و تکنیک‌های کنترل مدنی برای امنیت جامعه چیست؟ برای پاسخگویی به این سوالات محقق با در نظر داشتن وضعیت اسرائیل و مقایسه آن با کشورهای دموکراسی غربی مثل؛ آمریکا، کانادا، آلمان و... به این سؤال‌ها پاسخ داده است. و به این نتیجه رسیده است که هر کشوری با توجه به نوع نظام و انتخاباتی و پارلمانی خود به این سوالات پاسخی متناسب با شرایط خود می‌دهد (Hofnung, 2010).

برندا اونیل در مطالعه خویش تحت عنوان جنسیت، مذهب، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، بر تعهدگرایی مذهبی به عنوان یک عنصر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی میان زنان در آمریکا تأکید می‌کند و همچنین به دنبال بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی میان زنان در سازمان‌های مذهبی و ایجاد سرمایه اجتماعی است. نتایج این مطالعه، نشانه وجود ارتباط میان عقاید و فعالیت‌های مذهبی با رفتارهای سیاسی است. در نهایت یافته‌ها نشان می‌دهد تعهد مذهبی زنان می‌تواند بر توسعه و افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند (اونیل، ۲۰۰۳، به نقل از موحد، ۱۳۸۷).

چاکرالحسینی، در تحقیقی با عنوان "بررسی نقش مشارکت سیاسی در امنیت ملی ایران" به بررسی سازوکارهای نرم‌افزارانه امنیت و نقش تأثیرگذار مشارکت سیاسی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ادوار مختلف پرداخته است. وی اذعان می‌دارد بررسی مشارکت‌های سیاسی در امنیت ملی از دو لحاظ حائز اهمیت است: اولاً آحاد مردم به لحاظ برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی احساس امنیت کنند و آن را در ابعاد خرد و کلان امنیت فرد، گروه و دولت مجسم نمایند، ثانیاً با

تحقق امنیت داخلی و ایجاد همبستگی ملی، امکان مصون ماندن از تهدیدات خارجی که نوعاً متوجه تمامیت ارضی، نظام سیاسی، ارزش‌های رایج و ... خواهد شد، زمینه تحقق منافع و اهداف ملی نیز فراهم شود. بنابراین در استقرار سازوکارهای امنیت پایدار و در تبیین ضرورت پرداختن به امنیت معطوف به اقتدار فرهنگی نقش مردم بیش از هر اقدام سخت‌افزارانه‌ای حائز اهمیت است، چراکه در شرایط امنیت معطوف به اقتدار فرهنگی، زمینه بسط و توسعه آیین‌های مدنی، باورهای مشترک و پیشگیری از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی فراهم گردیده و با تولید و باز تولید ارزش‌های انسانی در جامعه، بالطبع سایر ارزش‌های حیاتی که منافع ملی، اهداف ملی، امنیت ملی و... ترجمان آن هستند، تضمین خواهد شد (چاکر الحسینی، ۱۳۷۲).

سیف‌زاده، در بررسی خود با عنوان "عدم توسعه سیاسی و امنیت ملی در کشورهای جنوب" با این فرضیات مطالعه خود را شروع می‌کند:

(۱) مفهوم متعارف امنیت ملی به لحاظ عدم دقت و مفروضه‌های محدود و نقص متدلورژیک کارآیی تبیین تحولات بین‌المللی حداقل در چارچوب کشورهای جنوب را ندارد.

(۲) تهدیدات امنیتی در کشورهای جنوب بیش‌تر ناشی از مسائل داخلی است.

(۳) تهدیدات داخلی در کشورهای جنوب ناشی از بحران‌های هویت و مشارکت است.

به منظور آزمایش این فرضیه‌ها، تحولات حادث در مفهوم امنیت ملی، توسعه سیاسی، تهدیدات امنیتی در کشورهای جنوب ناشی از عوامل داخلی و محیط خارجی و تأثیر هریک بر دیگری در دو بخش و پنج فصل مورد بررسی قرار داده- است. نتایج حاصله به شرح زیر است:

۱) عدم کارآیی مفاهیم متعارف از امنیت ملی در جنوب ناشی از شکاف تجربه تاریخی نسبت به حکومت و پوشش شکل‌گیری دولت در مقایسه با شمال و پیوند مفهوم متعارف امنیت با سه ویژگی کشور - ملت غربی یعنی جهت‌گیری خارجی آن، پیوندهای قومی آن با امنیت سیستم و طبیعت غیرقابل تفکیک آن از امنیت متحدان دابلوک بود.

۲) کشورهای جنوب ارزش‌های حیاتی رژیم‌ها اغلب در تضاد و تعارض با ارزش‌های حیاتی قشر عظیم مردمی است که بر آنها حکومت می‌شود.

۳) مشکلات فوق‌الذکر به همراه محرک‌های ناشی از رشد اقتصادی، اجتماعی در داخل و مشکلات ناشی از اقتصاد بین‌المللی سبب می‌شود تا بیگانگی نسبت به نخبگان، ابزار اعمال حاکمیت و در دست گرفتن قدرت توسط آنان و همچنین ساختارهایی که توسط نخبگان برای اداره جامعه ایجاد شده است به وجود آید و ناامنی داخلی را سبب گردند.

۴) در کشورهای جنوب این ویژگی‌ها همچنان که به اثبات رسید بیشترین عامل تهدید برای این کشورها بحساب می‌آید. به طوری که بسیاری از مناقشات و ناامنی‌های بین‌ملت‌ها نیز ناشی از کشمکش و تعارض داخلی ملت‌هاست.

۵) در نظام‌هایی که به شکل مستبدانه اداره می‌شوند میل به برون‌فکنی بحران جهت انحراف افکار عمومی از مسایل داخلی بیشتر از نظام‌های دموکراتیک است و همچنین دولت‌های ضعیف و وابسته بیشتر در معرض آسیب‌ها و حوادث بیرونی و پیرامونی قرار می‌گیرند.

۶) هرچند میزان تهدیدات ناشی از بحران‌های هویت و مشارکت به تفکیک در این بررسی به چشم نمی‌خورد و نیاز به بررسی‌های بیش‌تر دارد، اما بررسی حاضر

نشان داد که منشا ناامنی در کشورهای جنوب از این دو بحران به همراه بحران مشروعیت است (سیف‌زاده: ۱۳۷۶).

حسینی در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بیگانگی سیاسی و اجتماعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی و امنیت ملی" با هدف سنجش میزان بیگانگی سیاسی و اجتماعی و مشارکت سیاسی و اجتماعی و مشارکت در حوزه‌های امنیت ملی و شناخت نوع همبستگی میان متغیرهای مذکور و همچنین متغیرهای زمینه‌ای با استفاده از روش پیمایشی در میان دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های روزانه مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نهادهای ویژه که در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ شهر تهران را تشکیل می‌دهند. حجم جامعه آماری ۸۰۶۹۴ نفر بوده است که با استفاده از فرمول کوکران ۲۸۰ نفر انتخاب گردیده و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی پرسش‌نامه‌ها توزیع گردید و جمع‌آوری شده است. نتایج نشان داده است که مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی در ارتقا یا کاهش امنیت ملی بسیار مؤثرند و در صورت عدم مشارکت سیاسی به دلیلی ظهور بیگانگی سیاسی و اجتماعی در جامعه، امنیت ملی به طور جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۳).

مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری این پژوهش معطوف به سه متغیر اصلی تحقیق، یعنی امنیت ملی، مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی است. صاحب‌نظران مختلف علوم اجتماعی در خصوص سه مؤلفه، دیدگاه‌ها و توصیف‌های خود را ارائه کرده‌اند که به بعضی از آنان اشاره می‌شود.

بر طبق نظر دورکیم^۱ وجدان جمعی که مجموعه باورها و احساسات مشترک اعضای یک جامعه است بدون مشارکت افراد در آن، نمی‌تواند واقعیت یابد. از نظر او فقدان و عدم جذب و یک‌پارچه شدن افراد جامعه، به افزایش میزان انحرافات اجتماعی می‌انجامد، لذا راه‌حل برای کاهش انحرافات اجتماعی، توسعه سازمان‌هایی است که به احیای ادغام و مشارکت افراد کمک می‌کند.

از نظر موریس هالبواکس مشارکت به عنوان پدیده اجتماعی عبارت است از درگیری در ارزش‌های جامعه عضویت. هرگاه افراد در بطن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود زندگی کنند، در واقع در حیات اجتماعی مشارکت دارند (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۴). وی تعیین جایگاه طبقات اجتماعی در سلسله مراتب جامعه را در درجه اول به درجه مشارکت یا بهره‌مندی طبقه از فعالیت‌های اجتماعی عالی وابسته می‌داند.

در مکتب تفهیمی ماکس وبر اعتبار جامعه‌شناختی هنجارها و قواعد رفتاری هنگامی است که اعضای جامعه به دلیل باور و عقیده آنان را مشروع تلقی و رفتارهای خود را بر اساس آنان شکل داده تنظیم کنند، در واقع حیات یا دوام این هنجارها با مشارکت افراد جامعه در هستی آنها وابسته است و با کاهش میزان مشارکت اجتماعی، قواعد اجتماعی اعتبار جامعه‌شناختی خود را از دست می‌دهند.

توکوویل^۱ معتقد است، مشارکت، تجربه شهروندی را فعال، مترقی و شهروندان را نسبت به نظم علاقه‌مند می‌کند و آگاهی آنان را درباره وظایف دولت، مردم، محدوده‌های حقوق دیگران افزایش می‌دهد (قبادی، ۱۳۸۱: ۳۸).

¹⁻ Durkeim

¹⁻ Toqueville. A

بزرگان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و رفتاری مانند رابرت دال^۲ و لیپست^۳، تعاریفی از مشارکت در جوامع مختلف و در زمان‌های متفاوت ارائه داده‌اند و به تبیین تفاوت‌ها بر اساس عوامل اجتماعی، روانی، اقتصادی و سیاسی پرداخته‌اند.

۱- مشارکت سیاسی - اجتماعی

مشارکت سیاسی، فرصتی است برای انجام کنش متقابل میان افراد، زیرا این نوع از مشارکت جزئی از رفتار اجتماعی محسوب می‌شود. مردم به دلیل وابستگی‌هایشان به دولت و کالاهای عمومی تولید شده از سوی آن، می‌توانند از طریق مشارکت سیاسی، بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر گذار باشند و در نهایت به حفظ انسجام جامعه کمک کنند. این امر کلید فهم میزان درگیر شدن افراد در فعالیت‌های سیاسی است و نظریه دال و لیپست و همچنین نظریه انتخاب عقلانی در این زمینه قابل کاربرد است.

الف) تئوری سی‌مور مارتین لیپست و دال

سی‌مور مارتین لیپست و رابرت دال تلاش زیادی نموده‌اند تا بتوانند متغیرهای مرتبط با مشارکت را در مدلی کلی طرح نمایند. مدل وی عمدتاً بر متغیرهای اجتماعی تأکید دارد و با استفاده از اطلاعات موجود در دموکراسی‌های غربی برای آن کشورها تنظیم شده است، یک دیدگاه جامعه‌شناختی ارائه می‌دهد، ولی به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی که مورد توجه قرار گرفته‌اند، در سایر جوامع و کشورها نیز قابل تعمیم باشند، با این فرق که در تأثیر این عوامل (مورد توجه در این مدل) در سایر جوامع وضعیتی متفاوت وجود دارد.

به اعتقاد وی الگوی شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف (آلمان، سوئد، امریکا، نروژ، فنلاند و کشورهای دیگری که اطلاعاتی در مورد آنها در دسترس

²- Robert dahl

³- Lipest

است) یکسان است. مردان بیش از زنان، آموزش ندیده گان بیش از کم‌تر آموزش‌دیدگان، شهرنشینان بیش از روستاییان، میان‌سال‌ها (۵۵ - ۳۵) بیش از جوانان و پیران، متأهلان بیش از مجردان، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و اعضای سازمان‌ها بیش از غیرعضوها مشارکت می‌کنند. با وجود این، تفاوتها در بسیاری از کشورها در حال محدود شدن است مثل سوئد که به خصوص در مورد سن و جنس تفاوت کم می‌شود. شرکت درانتخابات و رأی دادن مردم آمریکا را براساس بعضی متغیرهای جمعیتی - اجتماعی نشان می‌دهد(انصاری و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۰۲ - ۱۰۱).

- تئوری‌های رابرت دال در مورد عدم مشارکت شهروندان در انتخابات عبارتند از:
- ۱) مردم به دلیل عدم دریافت پاداش مورد انتظار خود در انتخابات شرکت نمی‌کنند.
 - ۲) مردم به دلیل اینکه فکر می‌کنند مشارکت یا عدم مشارکت آنها تأثیری در نتیجه کار ندارد، بی‌تفاوت هستند.
 - ۳) مردم تفاوتی بین مواضع کاندیداها احساس نمی‌کنند و انگیزه‌ای برای شرکت در انتخابات ندارند.
 - ۴) مردم با اعتقاد به اینکه نتیجه هرچه باشد برای آنان پذیرفتنی است مشارکت نمی‌کنند.
 - ۵) مردم به علت عدم آگاهی از جریان‌ات سیاسی، مشارکت خود را اثربخش تلقی نمی‌کنند.
 - ۶) هرچه موانع برای مشارکت در انتخابات بیشتر باشد، انگیزه برای دخالت فعالیت کمتر است (دال، ۱۳۷۴ : ۹۵ - ۹۴).

ب: نظریه انتخاب عقلانی

نظریه انتخاب عقلانی^۱ نظریه‌ای مشترک در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و خصوصاً روابط بین‌الملل است، لذا به دلیل حالت بین‌رشته‌ای که دارد مورد توجه صاحب‌نظران معاصر در علوم انسانی است. پس می‌توان آن را نظریه‌ای در علوم انسانی دانست.

مهم‌ترین ریشه نظریه انتخاب عقلانی (که اختیار عاقلانه و گزینش معقولانه نیز نامیده شده است) از دیدگاه صاحب‌نظران، اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک می‌باشد. اقتصاددانان کلاسیک، انسان‌ها را به عنوان جستجوگران منطقی که به دنبال حداکثر کردن سود خویش هستند، می‌شناسند. آدام اسمیت تقسیم کار و اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می‌داند که منشأ آن نفع شخصی است (قدیری اصل، ۱۳۷۶: ۳۲۴-۳۲۳) که البته نفع شخصی افراد در کنار هم تشکیل دهنده نفع اجتماعی نیز هست.

دیگر سرچشمه نظریه انتخاب عقلانی دیدگاه وبر در باب عقلانیت است. وبر چهار نوع کنش را از یکدیگر تفکیک می‌کند. بر این مبنا کنش عقلانی معطوف به هدف را تنها کنشی می‌داند که در کامل‌ترین مفهوم خود عقلانی است. وی در تعریف این کنش هدف عقلانی و کارآمدترین راه نیل به هدف را ویژگی این نوع کنش می‌داند که با توسعه جامعه سرمایه‌داری و جامعه صنعتی بیش از پیش سیطره پیدا کرده است.

اما مهم‌ترین ریشه درون جامعه‌شناسی نظریه انتخاب عقلانی، رویکرد جامعه‌شناسی رفتاری و نظریه مبادله است. نظریه مبادله بر محور اقتصاد کلاسیک و مفروضات آن شکل گرفت. هومنز با تکیه بر نظریه اسکینر معتقد بود هر رفتاری که پاداش بیش‌تری برای فرد داشته باشد، احتمال اینکه آن رفتار از وی سر بزند بیش‌تر است. هومنز معتقد بود که انسان از یک سو در جست‌وجوی حداکثر سود و از

¹- The Rational Choice Theory

سوی دیگر در پی حداقل هزینه‌هاست. پیتر بلاو دیگر نظریه‌پرداز مکتب مبادله نیز همان قضایای هومنز را در سطح ساختارهای کلان اجتماع بررسی کرده است. نهایتاً باید گفت قضایای عام هومنز ریشه‌ای منفعت طلبانه برای رفتار انسان قائل است.

بنابراین، این نظریه براساس مفروضات و مبانی زیر بنا شده است. ترنر در ساخت نظریه اجتماعی، آنها را به این شرح آورده است:

۱. انسان‌ها موجوداتی دارای قصد و نیت هستند؛
 ۲. انسان‌ها سلائق یا منافع خود را براساس اهمیت هر کدام از آنها رتبه‌بندی می‌کنند؛

۳. انسان‌ها در انتخاب روش‌های رفتار از محاسبات عقلانی استفاده می‌کنند (با رعایت موارد زیر):

(الف) منافع حاصل از روش‌های جایگزین رفتار، با رجوع به سلسله مراتب امیال و ترجیحات فرد مشخص می‌شود؛

(ب) هزینه استفاده از هر روش برابر است با صرف نظر کردن از منافع سایر روش‌ها (هزینه فرصت از دست رفته)؛

(ج) روشی بهترین است که منجر به حداکثر سود شود؛

(د) پدیده‌های اجتماعی بیرونی مثل ساختارهای اجتماعی، تصمیمات جمعی و رفتار جمعی، ناشی از تصمیمات عاقلانه افرادی است که سود خود را به حداکثر می‌رسانند؛

(ه) پدیده‌های اجتماعی بیرونی که از تصمیمات عقلانی افراد ناشی می‌شود و تشکیل یک مجموعه از عوامل می‌دهد (ریتزر، ۱۳۸۰: ۶۴۵).

لذا آنچه از مباحث بالا می‌توان در ارتباط با مشارکت اجتماعی و سیاسی استخراج نمود، بدین صورت است که امروزه مشارکت برای عاملان اجرا و صاحب‌منصبان دولتی از یک سو و افراد شرکت‌کننده یعنی مردم از سوی دیگر اهداف و فواید خاصی دارد. برخی از این اهداف و فواید بر حسب نافعان آن در زیر آمده است:

۱- اهداف و فواید مشارکت از دیدگاه عاملان اجرا:

الف) هرچه مشارکت نهادینه شده مردم در امور سیاسی اجتماعی بیش تر باشد ضریب امنیت ملی بالا می رود (مزروعی، ۱۳۷۶: ۱)؛

ب) هدف مشارکت تجهیز منابع مالی و انسانی و استفاده از نیروی مولد است؛

ج) مشارکت مردمی راهی به سوی فعال نمودن نیروی عظیم توده‌ای است که در روند مشارکت مستمر با موانع و مشکلات آشنا گردیده و این خود موجب آگاهی آنان از مسائل اجتماعی اقتصادی و سیاسی می‌گردد؛

د) مشارکت فعالیتهای داوطلبانه را افزایش می‌دهد و به ایجاد ارتباط نزدیک و صمیمانه بین مردم و نیروهای دولتی می‌انجامد؛

ه) در جریان توسعه توأم با مشارکت طرح‌ها به نقاط مختلف سرایت می‌کند و مردم بدون این‌که نیاز به مدیریت و کنترل از بالا داشته باشند، به اجرای طرح‌ها خواهند پرداخت و از این رو به کاهش هزینه دولت و بوروکراسی خواهد انجامید (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶ : ۵۱ - ۴۸)؛

و) مردمی که در تهیه، اجرا و ارزیابی برنامه‌های عمرانی و رفاهی مشارکت مؤثر دارند، آن را از خود دانسته و با علاقه‌مندی برای رسیدن به اهداف و برنامه‌ها با رعایت نظم و انضباط در آن همکاری خواهند کرد. این همکاری پیشرفت سریع‌تر برنامه‌ها و بهره‌گیری کامل‌تر از نتیجه کار را فراهم می‌کند، زیرا طرح برنامه‌ریزی شده با نیازهای آن منطبق است؛

ز) هر چه دامنه مشارکت مردم در امور اجتماعی بیش تر شود مقاومت آن در برابر دگرگونی ایده‌های مطلوب و نوین زندگی کاسته می‌شود، به عبارتی دیگر دامنه بیش تر مشارکت، نوآوری و خلاقیت را در جامعه افزایش می‌دهد؛

ط) هر چه مشارکت در جامعه فراگیرتر باشد رفتار در جامعه هنجاریتر، عقلای‌تر و منطقی‌تر می‌شود (بابایی، ۱۳۷۶: ۲۴).

۲- اهداف و فواید مشارکت از دیدگاه مردم:

الف) مشارکت به عنوان یکی از طرق تامین اصول احترام به شخصیت فردی و اجتماعی، حقوقی و انسانی افراد احساس امید به زندگی را در مردم تقویت می‌کند. حاصل این امید واری نیاز به رفاه بیشتر و سپس تامین اجتماعی را به وجود می‌آورد؛

ب) در نظام مشارکتی قبل از کنش عمومی، افراد بستر مشارکت را فراهم می‌آورند یا پدیده‌ای به نام افکار عمومی ایجاد می‌کنند که با کار رسانه‌ها و ارتباط فعال نمایندگان حضور واقعی پیدا می‌کند (محمدی، ۱۳۷۶، به نقل از حسینی؛ ۱۳۸۳)؛

ج) مشارکت امکان و فرصت بیشتر برای استفاده از خدمات عمومی و اساسی دولتی را برای مردم تأمین می‌کند؛

د) در یک نظام مبتنی بر مشارکت فرد به عنوان واحد رأی دارای حقوق فردی اجتماعی است، از این رو وجدان او داور امور، تفکر او مسیر تغییرات و عمل او حامی ارزشهای فردی و جامعه‌ای است (همان، ۱۶).

۲- امنیت ملی

در تعریف امنیت ملی اختلاف نظر وجود دارد. این اصطلاح در دایره‌المعارف علوم اجتماعی "توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدهای خارجی" تعریف شده است (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۷۹) و در تعریف دیگری آمده است: "امنیت ملی به معنای دستیابی به شرایطی است که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد" (روشندل؛ ۱۳۸۴: ۱۳).

والتر لیپمن^۱ محقق و نویسنده آمریکایی نخستین کسی بود که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نمود: "یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ نماید و در صورت اقدام به جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ نماید و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد" (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۱).

به طور کلی می‌توان گفت اصطلاح امنیت ملی به پیدایش دولت‌های ملی که با از میان رفتن حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، رشد سرمایه‌داری، تشکیل حکومت‌های مردمی در اروپا و سقوط امپراتوری‌های بزرگ شکل گرفتند، بازمی‌گردد. امنیت ملی از ترکیب دو واژه "امنیت" و "ملی" مفهوم جدیدی است که به طور عمده بر تهدیدهای نظامی علیه دولت‌ها استوار است. بعد از جنگ جهانی دوم، امنیت ملی چند بعدی شد و جنبه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را دربرگرفت. با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم، نقش روزافزون اقتصاد در هدایت ماشین جنگی دولت‌ها آشکار شد و توانایی اقتصادی دولت‌ها در جنگ به عنوان بخشی از ابعاد امنیت ملی کشورها مورد توجه قرار گرفت. باری بوزان معتقد است: امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف مبهم، اما از نظر سیاسی قدرتمند باقی مانده است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۰).

الف- تهدیدها راجع به امنیت ملی
ریچارد اولمان در مورد تهدیدهای راجع به امنیت ملی معتقد است: تهدید امنیت ملی عبارت از یک عمل یا یک سلسله حوادث است که در مدت زمانی کم‌وبیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را به شدت تهدید می‌کند یا دامنه اختیار یک حکومت یا کشور یا واحدهای خصوصی متعلق به یک کشور را در انتخاب سیاست مقتضی به‌طور جدی به مخاطره می‌اندازد (همان: ۱۳۷).

¹-Walter Lippman

با توجه به عوامل مؤثر در امنیت ملی، یعنی سرزمین، جمعیت و نظام سیاسی، برخی نویسندگان مؤلفه‌های امنیت ملی را به شرح زیر احصا کرده‌اند:

- حفظ جان مردم؛

- حفظ تمامیت ارضی؛

- حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی (اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی)؛

- حفظ استقلال و حاکمیت کشور (ناجی راد؛ ۱۳۸۷: ۱۴۴).

چهار مقوله فوق به عنوان جوهره امنیت ملی این خصوصیت را دارد که تمام کشورها در سیاست داخلی و خارجی شان و نیز افراد گروه‌ها و احزاب موجود در کشورها بدون توجه به گرایش‌ها، سلیقه‌ها و اختلافات فردی، گروهی، طبقاتی، سیاسی و اجتماعی در مورد اهمیت حفظ و تلاش برای رفع تهدیدات علیه این چهار ارزش، در حد توان و امکان اتفاق نظر کامل دارند.

عده‌ای دیگر تهدیدهای مربوط به امنیت ملی را به داخلی و خارجی تقسیم کرده و برای تهدیدهای داخلی، بیست قلمرو و برای تهدیدهای خارجی دوازده مصداق ذکر کرده‌اند (زارعی؛ ۱۳۸۴: ۱۹۰). به طور مثال، از تحریکات استقلال‌طلبانه قومی و ادعاهای مرزی، آشوب‌ها و اقدام‌های براندازانه علیه حکومت، بحران هویت و شیوع برخی جرایم مانند قاچاق گسترده مواد مخدر، می‌توان به ترتیب به عنوان تهدیدهای علیه تمامیت ارضی، نظام سیاسی و جامعه نام برد.

برخی نیز با تقسیم تهدیدهای امنیت ملی به داخلی و خارجی، از تهاجم نظامی، مداخله نظامی برای کمک به شورشیان و مخالفان داخلی، توطئه یا دسیسه برای نفوذ و تدارک کودتا، براندازی با حمایت از افراد و گروه‌های ناراضی علیه حکومت مستقر، عملیات پنهان سیاسی (تطمیع دولت‌مردان، فعالیت تبلیغی مخفی و ترور رهبران کشور) و تبلیغات خارجی علیه حکومت به عنوان تهدیدهای خارجی علیه امنیت ملی نام برده و استفاده از جنگ چریکی، تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی

و درگیری‌های قومی را به عنوان تهدیدهای داخلی علیه امنیت ملی ذکر کرده‌اند (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۵۸-۱۳۸).

در نهایت باید گفت تهدیدهای امنیت ملی به تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی قابل تقسیم است که جوهره همه آنها صیانت از کشور در قبال خطرات و تهدیدهای اساسی نسبت به سرزمین، جمعیت و نظام سیاسی است.

ب- دوره‌های مختلف نگرش به امنیت ملی:

گرچه اکثر این دوره‌ها را به دو قسمت تقسیم کرده‌اند، ولی به نظر نگارنده امروز با توجه به نظم نوین جهانی می‌توان قائل به وجود سه دوره شد که هر دوره دارای خصایص و مشخصات خاص خود است:

۱- دوره اول (۱۹۴۵-۱۷۰۰): این دوره با طرح دیدگاه ماکیاوول آغاز می‌شود و شاید بتوان به آن دوره سنتی مفهوم امنیت ملی نام داد. ماکیاوول می‌گفت: "امنیت ما مساوی با ناامنی دشمن است و برعکس یا برای داشتن صلح باید برای جنگ آماده بود." در این دوره، مفهوم امنیت جنبه نظامی دارد.

۲- دوره دوم (۱۹۹۰-۱۹۴۵): این دوره با رشد اقتصاد، تجارت بین‌المللی، علم، تکنولوژی، ارتباطات و سلاح‌های مدرن مشخص می‌شود. در این دوره ابعاد امنیت ملی گسترده‌تر شد و دیگر محدود به مسائل نظامی نمی‌ماند و از شکل نظامی به اشکال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ارتباطی نیز تعمیم یافت.

۳- دوره سوم (۱۹۹۰ به بعد): این دوره با رشد سریع ارتباطات و اطلاعات و نزدیک شدن هرچه بیشتر ملت‌ها به یکدیگر آغاز می‌گردد، عصری که آن را انقلاب اطلاعات و ارتباطات می‌توان نامید. در این دوره نه مانند دوره اول بعد نظامی دارد و نه مانند دوره دوم ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... یک‌جانبه دارد، بلکه به دلیل یک شدن جامعه جهانی، همه مسائل مانند جامعه سیاسی داخلی به یکدیگر مرتبط و نزدیک می‌شود که یکی از این مسائل مسأله امنیت

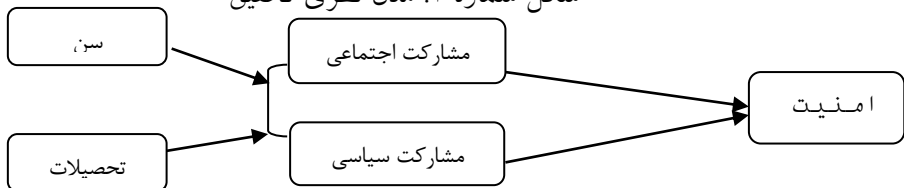
است. به عبارت دیگر امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه است و برعکس (اقلیما، ۱۳۸۸: ۱۶).

۳- چارچوب نظری و مدل نظری:

در این مقاله سعی شده از نظریه‌ها و مدل‌های ارائه شده به‌خصوص نظریه رابرت دال و انتخاب عقلانی رابطه امنیت ملی و مشارکت سیاسی و اجتماعی استفاده شود. این دو نظریه امکان مناسبی را برای الگوسازی جهت تشخیص پدیده‌ها، وضعیت‌های ایجاد شده فراهم می‌نماید.

در راستای پاسخ به سؤال مقاله حاضر باید عنوان داشت مدلی که می‌توان جهت شناسایی روابط متقابل امنیت ملی و مشارکت سیاسی و اجتماعی ارائه نمود چارچوبی خواهد بود که اساس آن بر شناخت صحیح شاخص‌های دو مقوله استوار است. با توجه به مشکلاتی که بر سر راه ارائه مفهومی دقیق و مشترک از مفاهیم نسبی بودن تأثیرات بین متغیرها وجود دارد، لذا باید گفت بهترین روند شناسایی و تمرکز بر مؤلفه‌های مشارکتی و امنیت ملی ارائه شده توسط نظریه دال و لیپست و نظریه انتخاب عقلانی است. لذا در مقاله حاضر با در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی و سیاسی و امنیت ملی به طراحی مدل برای فهم بهتر روابط پرداخته شده است. نمودار زیر می‌تواند جهت شناسایی روابط متقابل این دو متغیر مؤثر باشد.

شکل شماره ۱: مدل نظری تحقیق



مشارکت در امور مذهبی، مشارکت در سطح محله، مشارکت در تفریحات دسته‌جمعی و مشارکت در امور خیریه تقسیم شده است. جمعاً ۵ گویه در سطح سنجش فاصله‌ای توسط طیف لیکرت سنجیده شده است. در شبکه‌های عمودی، شهروندان نابرابر به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند دارند. در این‌جا ساختار شبکه‌های عمودی به معنای عضویت در گروه و داشتن سهمی در تداوم زندگی گروهی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۵). برای سنجش این متغیر هم ۶ گویه با استفاده از طیف لیکرت در سطح سنجش فاصله‌ای استفاده شده است.

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی، پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است و بر همین اساس به طرق متفاوت قابل تعریف است. بنابر تعریف آبرکرامبی، شرکت در فرآیندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن تأثیر می‌گذارد، مشارکت سیاسی نامیده می‌شود (آبرکرامبی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۶). به عبارت دیگر، فعالیت اجتماعی داوطلبانه افراد یک جامعه که در آن فرد احساس می‌کند که مستقیم یا غیر مستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی و یا انتخاب رهبران مشارکت دارند، مشارکت سیاسی نام دارد (McClosky, 1968). به نقل از موحد (۱۳۸۲). بنابراین مشارکت سیاسی در این تحقیق به عنوان یک کنش اجتماعی ارادی در نظر گرفته شده است و برای سنجش میزان مشارکت سیاسی، تعامل مردم با حکومت که با شاخص‌هایی مانند حق رأی دادن، کاندیداتوری و رعایت حقوق متقابل مردم و حکام برای اداره حکومت و مشارکت در اهداف سیاسی و... با استفاده از ۶ گویه در سطح سنجش فاصله‌ای توسط طیف لیکرت سنجیده شده است.

اعتبار و روایی تحقیق

در این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین روایی شاخص‌ها بهره گرفته شده است. ضریب روایی به ترتیب برای گویه‌های امنیت ملی برابر ۰/۸۷، مشارکت اجتماعی ۰/۸۱، مشارکت سیاسی ۰/۷۰. از اعتبار صوری نیز برای تعیین اعتبار پرسشنامه استفاده شد.

نتایج و یافته‌ها

برای بررسی صحت فرضیات در مورد ارتباط مشارکت سیاسی و اجتماعی با امنیت ملی شهروندان همدان، آزمون‌های آماری متناظر با سطح سنجش متغیرها استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی

جهت سنجش میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد و امنیت ملی جامعه مورد مطالعه در سه گروه کم، متوسط و زیاد و به تفکیک فراوانی و درصد آن‌ها در جدول ذیل درج گردیده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد میزان مشارکت اجتماعی

میزان مشارکت اجتماعی	فراوانی	درصد
کم	۸۷	۲۷
متوسط	۱۱۲	۳۱
زیاد	۱۴۵	۴۰/۳
بی جواب	۶	۱/۷
جمع	۳۵۰	۱۰۰

مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان به سه دسته عمده تقسیم شده و بر اساس جامعه آماری، سهم تقریبی هر کدام مشخص گردید؛ به این صورت که از ۳۵۰ نفر پاسخگو، ۸۷ نفر در رده کم و ۱۱۲ نفر در رده متوسط و ۱۴۵ نفر در رده زیاد قرار دارند.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد میزان مشارکت سیاسی

میزان مشارکت سیاسی	فراوانی	درصد
کم	۳۸	۱۰/۸۵
متوسط	۱۲۸	۳۶/۵۷
زیاد	۱۷۵	۵۰
بی جواب	۹	۲/۵۸
جمع	۳۵۰	۱۰۰

مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان به سه دسته عمده تقسیم شده و بر اساس جامعه آماری، سهم تقریبی هر کدام مشخص گردید؛ به این صورت که از ۳۵۰ نفر پاسخگو، ۳۸ نفر در رده کم و ۱۲۸ نفر در رده متوسط و ۱۷۵ نفر در رده زیاد قرار دارند.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد میزان امنیت ملی

میزان امنیت ملی	فراوانی	درصد
کم	۵۰	۱۴/۲۸
متوسط	۱۱۴	۳۲/۵۷
زیاد	۱۷۹	۵۱/۱۴
بی جواب	۷	۲
جمع	۳۵۰	۱۰۰

ضریب امنیت ملی پاسخگویان به سه دسته عمده تقسیم شده و بر اساس جامعه آماری، سهم تقریبی هر کدام مشخص گردید؛ به این صورت که از ۳۵۰ نفر پاسخگو، ۵۰ نفر ضریب امنیت ملی را پایین و ۱۱۴ نفر در رده متوسط و ۱۷۹ نفر در رده زیاد می‌دانند.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد بر حسب جنس پاسخگویان

جنس	فراوانی	درصد
زن	۱۶۲	۴۶/۲۸
مرد	۱۸۷	۵۳/۴۲
بی جواب	۱	۰/۰۲۸
جمع	۳۵۰	۱۰۰

جنس پاسخگویان به دو دسته عمده زن و مرد تقسیم شده و بر اساس جامعه آماری، سهم تقریبی هر کدام مشخص گردید؛ به این صورت که از ۳۵۰ نفر پاسخگو، ۱۸۷ نفر را مردان و ۱۶۲ نفر را زنان تشکیل دادند.

ب) یافته‌های استنباطی

داده‌های ۵ فرضیه تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت خلاصه نتایج در جدول زیر مندرج شده است:

جدول ۵: ضرایب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها

همبستگی متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)
۱) امنیت ملی با مشارکت سیاسی	۰/۶۰۳	۰/۰۰۰
۲) امنیت ملی با مشارکت اجتماعی	۰/۴۳۹	۰/۰۰۱
۳) مشارکت سیاسی با مشارکت اجتماعی	۰/۵۳۱	۰/۰۰۰
۴) مشارکت سیاسی و اجتماعی با سن پاسخگویان	۰/۰۶۱	۰/۱۲
۵) مشارکت سیاسی و اجتماعی با تحصیلات پاسخگویان	۰/۰۸۶	۰/۰۹۱

داده‌های مندرج در جدول بالا نشان‌دهنده این است که بجز متغیرهای سن و تحصیلات با مشارکت سیاسی و اجتماعی که بین متغیرها همبستگی معناداری را نشان نمی‌دهد، سه فرضیه اول تأیید گردیده و بین متغیرهای مشارکت سیاسی با مشارکت اجتماعی، امنیت ملی با مشارکت سیاسی و امنیت ملی با مشارکت اجتماعی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. لذا می‌توان گفت هرچه مشارکت سیاسی و اجتماعی افزایش یابد ضریب امنیت ملی نیز افزایش می‌یابد. لیکن رابطه مشارکت سیاسی با امنیت ملی (۰/۶۰۳) نسبت به مشارکت اجتماعی افراد بیش‌تر است. در مجموع سه فرضیه نخست در جامعه همدان با یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش در سایر جوامع غربی و مدل مفهومی ارائه شده همخوانی دارد.

نتیجه گیری

بنا به چارچوب نظری این مطالعه، دارا بودن امنیت ملی به معنی واقع شدن در وضعیتی است که بتوان از حساسیت و آسیب‌پذیری ارکان نظام در مواجهه با تهدیدات داخلی و خارجی کاست و یکی از مهم‌ترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقای امنیت ملی هم مشارکت است، در واقع همان‌طور که گفته شد مشارکت تجلی مشروعیت حاکم است و هر دولتی که جلوه‌های بیش‌تری از همکاری و همدلی و مشارکت مردم را در ابعاد گوناگون سیاسی و اجتماعی به‌خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات جلب نماید، وجه خوب و معتبری در سطح بین‌المللی خواهد داشت و از طرفی با مشارکت مردم پشتیبان قوی برای حفظ مملکت به‌دست خواهد آورد. نکته اساسی این است که رفتارهای افراد معنادار است و ما می‌توانیم با تفسیر این رفتارها به چرایی و چگونگی کنش‌های آنان پی ببریم، چراکه شناخت اعمال فردی و اجتماعی افراد براساس فاعلیت فاعلان و پندارهای نهفته در درون و انگیزش‌های نفسانی انجام می‌گیرند. بنابراین، مشارکت‌کننده بر اساس انگیزش‌ها و پندار خود رفتار می‌کند. از این‌رو، مردم بر اساس پندارها، عقاید و ارزش‌های موردنظر خود، تصویری از جامعه در ذهن دارند و می‌توان گفت تمامی روابط و مناسبات اجتماعی، زاینده، پندار و متکی بر پندار هستند، اگرچه هر ملتی در هر دوره‌ای پندارهای مخصوص به خود دارد، بنابراین، پندار جمعی در قالب مشارکت عمومی تبلور می‌یابد و رفتار مشارکت‌کننده بر اساس پندارها و انگیزش‌های خاصی مورد تفسیر قرار می‌گیرد، زیرا رفتار وی معنادار است و بر اساس آن، به عملی خاص مبادرت می‌ورزد. به عبارت دیگر، فاعل تصمیم گرفته است بر اساس آگاهی‌های خود و پیش‌فرض‌های ذهنی و نگرش‌ها و انگیزش‌های خویش، اقدامی جمعی و مشارکت‌جویانه انجام دهد. تحقیق حاضر نشان داد اولاً همبستگی معنی‌داری بین سه متغیر مشارکت اجتماعی، سیاسی و امنیت ملی برقرار است به این معنا که هرچه مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیش‌تر باشد، ضریب امنیت ملی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس و همچنین

رابطه معناداری که بین مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز دیده شد، یک رابطه مثبت و مستقیم است، لذا طبق فرضیه یک که همبستگی بین مشارکت سیاسی و امنیت ملی تأیید گردید و همبستگی مثبت و نسبتاً قوی را نشان داد، با توجه به تحقیقات انجام شده توسط لپیست و دال و نظریه انتخاب عقلانی قابل تبیین است. یکی از مهم‌ترین نماد مشارکت در جامعه ما میزان رأی ملت و مشارکت آنان در انتخابات چه به لحاظ انتخاب شدن و چه به لحاظ انتخاب کردن یعنی رأی دادن است که به عنوان کم‌ترین عمل مشارکت سیاسی و در عین حال عینی‌ترین مؤلفه در نظر گرفته می‌شود. در نظریه دال گفته شده است که برخی عوامل اجتماعی در کشورها قابل تعمیم هستند. در شهر همدان و خصوصاً در جامعه مورد مطالعه ما بیش‌ترین میانگین سنی متعلق به افراد میانسال بود. شاید یکی از دلالتی که مشارکت سیاسی بالایی در همدان به چشم می‌خورد همین باشد (هرچند رابطه معناداری میان سن و مشارکت دیده نشد، ناگفته نماند که این عدم ارتباط ممکن است نتیجه عوامل کنترل نشده دیگری باشد). از طرف دیگر بدون در نظر گرفتن شرایط سنی و جنسی مخاطبان مورد بررسی طبق نظریه انتخاب عقلانی، هریک از افراد مورد بررسی به لحاظ جامعه‌شناسی رفتاری در پیامد هر عملی که انجام می‌دهند، به دنبال سود بیش‌تر و هزینه کم‌تر است. حتی اگر نیت مشارکت برای سود در جهت منافع فردی باشد، نهایتاً نفع جمعی هم حاصل خواهد شد. طبیعتاً حفظ جان مردم و مرزهای ملی برای تک‌تک ایرانیان یک آرمان است و در هر شرایطی عقل سلیم حکم می‌کند که وفادار به آرمان‌های انقلاب و ۸ سال دفاع مقدس باشند، زیرا هزینه گزافی برای بدست آوردن آنها پرداخته شده است.

اما چرا فرضیه چهارم و پنجم رد شد؟ این‌گونه می‌توان تبیین نمود که به لحاظ سنی شاید نمونه‌گیری دقیق و متناسب با موضوع مورد بررسی نبوده است و لذا بر خلاف آنچه در تئوری لپیست مطرح شده، در جامعه همدان سن تأثیر چندانی در مشارکت نداشته است، نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد که شاید به دلیل بالا رفتن

آگاهی افراد در مسائل سیاسی با توجه به گسترش رسانه‌های جمعی و فضای باز ارتباطی ملی و فراملی مسائل سیاسی و اجتماعی در هر سنی جذاب و مهم جلوه می‌کند و امنیت ملی مسأله‌ای نیست که مربوط به سن خاصی باشد یا برای سن خاص مهم‌تر جلوه کند، لذا در شرایط بحرانی، حفظ تمامیت ارضی و حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه از اهم وظایف هر قشری است.

بنا بر فرضیه دوم، همبستگی مشارکت اجتماعی و امنیت ملی مثبت و در حد متوسطی بوده است. طبق تئوری لیپست عوامل اجتماعی در مشارکت اجتماعی تأثیرگذار می‌باشند. اما چرا همبستگی مشارکت اجتماعی ضعیف‌تر از مشارکت سیاسی شده است. شاید به دلیل نزدیکی مفهوم امنیت ملی با مشارکت سیاسی است، هرچند بسیاری از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که مشارکت سیاسی در واقع زیرمجموعه مشارکت اجتماعی است و این دو مقوله به سختی از هم جدا می‌باشند. لیکن، موضوعات سیاسی اغلب حساس‌تر و رقابتی‌تر هستند. بنابراین به دلیل حساسیت موضوع، مشارکت در آن بیشتر نمود پیدا می‌کند. همچنین مشارکت سیاسی با امنیت ملی همبستگی قوی‌تری دارد، زیرا مشارکت سیاسی موجب افزایش درک سیاسی شهروندان، مسئولیت‌پذیری، تقویت احساس کنترل شهروندان نسبت به نظام سیاسی و تعهدات آنان به حکومت می‌شود. بر این اساس، افزایش مشارکت سیاسی به افزایش منافع ملی و امنیت ملی بستگی دارد. از طرفی آگاهی از وضعیت اجتماعی- فرهنگی جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند و افزایش میزان آگاهی فرد از قابلیت، استعدادها و نیازهای خود همراه با آگاهی از وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، می‌تواند عامل مؤثری در افزایش مشارکت باشد.

بنابر فرض سه نیز که، مجموعه‌ای از عوامل بالا، تبیین‌کننده همبستگی این دو متغیر می‌باشند. خلاصه کلام آنکه یکی از ارکان اصلی در جامعه "مردم" هستند که نوع و میزان مشارکت آنها در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند.

این مطالعه با در نظر گرفتن شرایط ملی و تعمیم نتایج، نشان می‌دهد که سیاستگذاری‌های امنیتی و راهبردی ایران طی سال‌های اخیر به گونه‌ای بوده که همبستگی را تقویت کرده است. بخشی از این همبستگی به مسائل امنیتی و حساس شدن امور در کشور برای مردم بوده است.

از طرفی سیستم حکومتی در ایران به دلیل برخورداری از توانایی‌های ویژه (قدرت نرم) موفق شده تا رقابت‌ها، تعاملات و تفاهم درون گروهی را به گونه‌ای هدایت، دستکاری و تحمل نماید که قبل از آنها حیات خود را تداوم و حتی تحکیم ببخشد. این توانایی بخش اعظم گروه‌های اجتماعی اعم از سیاسی و غیر سیاسی را به اصلاح در درون ساختار و اجتناب از حرکت‌های رادیکال رهنمون شده است و بالا رفتن امنیت ملی گردیده است و از طرفی میزان رضایت عموم از حاکمیت و عمل حاکمان که در امنیت داخلی بسیار مهم است؛ از این نظر دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی همچون نیروی انتظامی، شهرداری‌ها و فرمانداری‌ها، بانک‌ها و همه سازمان‌هایی که به صورت مستقیم در ارتباط با مردم هستند قوانین مناسب با نظم و انضباط اجتماعی وضع کرده و رضایت عمومی را افزایش داده است (مطهری، ۱۳۷۳

(۵۰:

منابع :

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷: ۳-۳۱.
- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۸)، نگرشی بر مفهوم امنیت ملی و تحولات آن، فصلنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۵.
- انصاری، حمید. کاظمی‌پور، شهلا؛ محسنی تبریزی، علیرضا؛ و موسایی، میثم (۱۳۸۰)، پژوهش در وجه نظرها و رفتار مشارکتی مردم تهران در مسائل مرتبط با وظائف ناجا و عوامل موثر بر آن، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، مؤسسه تحقیقاتی تعاونی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، مشارکت و توسعه اقتصادی اجتماعی، مجله فرهنگ و توسعه، سال دوم، شماره ۱۰.
- آقاپور، خلیل (۱۳۸۱)، نقش فرهنگ سیاسی مشارکتی بر امنیت ملی ایران امروز، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- بابایی، محبوبه (۱۳۷۶)، تحولات فرایند مشارکت زنان روستایی ایران ردگذربه جامعه صنعتی، گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی، گزارش پنجم، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی اقتصادی.
- ترابی، محمد (۱۳۷۹)، ساختار نظام بین‌المللی و امنیت ملی با تأکید بر جهان سوم، فصل‌نامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۹. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۴)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات مرکز پژوهش‌های فرهنگی
- ترنر، جانانان (۱۳۸۷)، ساخت نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه لهسایی‌زاده، عبدالعلی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران: چاپ دانشگاه تهران.

چاکر الحسینی، حبیب الله (۱۳۷۲)، بررسی نقش مشارکت سیاسی در امنیت ملی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

حسینی، قاسم (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بیگانگی سیاسی - اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی و امنیت ملی، فصلنامه علوم اجتماعی، تهران.

دال، رابرت (۱۳۷۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران: مرندیز.

دستورالعمل کنترل اجتماعات غیر قانونی و اغتشاشات قرارگاه صادر کند. فرمانده ۱.۱. چ و ب معاونت عملیات. اداره طرح ریزی و تحلیل عملیات

روشندل، جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت.

ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، مترجم محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، تهران.

زارعی، بهادر (۱۳۸۴)، مسأله دارالاسلام و قلمرو ملی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، استراتژی امنیت

سیف زاده، حسین (۱۳۷۶)، عدم توسعه سیاسی و امنیت ملی در کشورهای جنوب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

قبادی، علیرضا (۱۳۸۱)، مشارکت مردم در عرصه فرهنگ، تهران: چاپ آثار.

قدیری اصل، باقر (۱۳۷۶)، سیر اندیشه اقتصادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مزروعی، غلامرضا (۱۳۷۶)، هرچه مشارکت افزایش یابد، ضریب امنیت ملی افزایش می‌یابد، روزنامه سلام، پنجم اسفند ماه ۱۳۷۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، گفتارهای معنوی، تهران: انتشارات صدرا.

ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
موحد، مجید (۱۳۸۲)، مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعات زنان،
سال اول، شماره ۳.
موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی،
فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳: ۹۲-۶۷.
ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۷)، جهانی شدن تروریسم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات
وزارت امور خارجه

M.Hofnung. (2011), "Democracy. Civil liberties and National Security: Israel in Comparative Perspective". University of California.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی